



پایه چهارم، شماره ۲

علوی

گنجینه‌ی تابستان

این قصه:

لطف حق

لطف حق



در روزگاران بسیار دور، مادر حضرت موسی(ع)، نوزادش را در صندوقچه‌ای گذاشت و آن را به رود نیل سپرد. هنگامی که صندوقچه از ساحل دور می‌شد، با شگفتی به آن نگاه می‌کرد و با خود می‌گفت: «این کار چه قدر بیهوده است! چگونه می‌توان کودکی را در میان آب رها کرد و امیدوار بود که سالم بماند؟»

در این هنگام از طرف خداوند وحی آمد که چرا فکر باطل می‌کنی؟ آنچه که در رود انداختی را ما گرفتیم و در حال هدایت او هستیم، همه چیز به فرمان ما اجرا می‌شود، تو مادر این کودک هستی ولی ما بنده پرور هستیم. آب رود نیل برای آن کودک از گهواره‌ای نرم و امن نیز آرام‌تر بود، زیرا خداوند نگهبان او بود. رودخانه از مسیر خود خارج نشد و طغیان نکرد؛ بلکه درست همان‌گونه که خدا می‌خواست، صندوقچه را با آرامش به مقصد رساند.

سال‌ها بعد، همین کودک که به پیامبری برگزیده شده بود، قوم خود را از مصر بیرون آورد. وقتی به کنار دریا رسیدند و راهی برای نجات نداشتند، خداوند به موسی فرمان داد عصایش را بر آب بزند. موسی چنین کرد و دریا شکافته شد. آب‌ها کنار رفتند و راهی خشک در میان دریا پدید آمد. موسی و یارانش از آن راه گذشتند، اما هنگامی که فرعون و سپاهش وارد دریا شدند، آب‌ها دوباره به هم پیوستند و آنان را در خود فرو بردند.

آن‌گاه همه دریافتند که همان خدایی که روزی صندوقچه‌ی کوچکی را بر روی رود نیل حفظ کرده بود، اکنون نیز دریا را فرمان‌بردار خود ساخته است. آب و موج، تنها به فرمان خدا حرکت می‌کنند و هر جا او اراده کند، لطف و قدرتش بندگانش را نجات می‌دهد.



فرزندم با توجه به متن به سوالات زیر پاسخ بده.

۱_ مادر حضرت موسی(ع)، فرزندش را در کدام رود رها کرد؟

.....

.....

۲_ خداوند در وحی به مادر حضرت موسی(ع) چه فرمود؟

.....

.....

۳_ چگونه خداوند از حضرت موسی(ع) در کودکی محافظت کرد؟

.....

.....

۴_ حضرت موسی(ع) چگونه قوم خود را از خطر فرعون نجات داد؟

.....

.....

۵_ پیام اصلی این داستان چیست؟

.....

.....

